

یادداشت

راه طی شده

- ۳- فروش ارز در بازار، ظاهرا برای یکسان سازی نرخ ارز (موفق نبوده‌ایم) و برای تامین کسری بودجه
- ۴- سیاست‌های متفاوت و متضاد در مورد صادرات غیرنفتی
- ۵- ثابت نگه‌داشتن قیمت انرژی (به‌خصوص بنزین و گاز) که در حقیقت تشویق به مصرف بیشتر است.
- ۶- تولید اتومبیل پرمصرف و ادامه آن و عدم ارتقای کیفیت به خاطر عدم مشارکت سازندگان خارجی و نیز سیاست‌های خود ما
- ۷- صدور سرمایه کلان از کشور (به خاطر سیاست‌های ارزی دولت‌ها)
- ۸- پرداخت یارانه به همه افراد به صورت نقدی
- ۹- پرداخت یارانه به همه افراد به صورت کالاهای یارانه‌ای و انرژی
- ۱۰- عدم توجه به وسایل نقلیه عمومی و ازجمله ترابری ریلی باری و استفاده از کامیون و جاده بر حمل کالا در سراسر ایران
- ۱۱- ناتوانی در صنعت هوایی که ناوگان هوایی را ضعیف‌ترین در جهان کرده است.
- ۱۲- عدم جلوگیری از قاچاق سوخت
- ۱۳- اجازه ساخت مسکن بزرگ و لوکس و پدیده ویلاسازی غیرضروری به جای بازسازی روستاها و بافت آسیب‌پذیر شهری
- ۱۴- دخالت در روند طبیعی بورس و ایجاد روند صعودی و نزولی غیرطبیعی
- ۱۵- اجازه ورود کالای قاچاق به طرق مختلف (کولبری، ته‌لنجی، مناطق آزاد، اسکله‌های بدون گمرک)
- ۱۶- عدم اخذ مالیات از درآمد‌های کلان برخی فعالیت‌ها
- ۱۷- عدم مبارزه با مراکز تولید ارز مجازی
- ۱۸- ایجاد تنگنا برای تولیدکنندگان رسمی و عدم توانایی برای متخلفان
- ۱۹- عدم تشویق برای واردکنندگان دانش فنی و تکنولوژی برتر
- ۲۰- عدم تغییر شیوه کشاورزی و تداوم آن به صورت سنتی
- ۲۱- عدم جلوگیری از آلوده‌شدن زمین‌های کشور به پسماند، عدم توجه به فاضلاب‌ها و آلودگی رودخانه‌ها، عدم توجه به برداشت غیرمجاز از چاه‌ها، عدم نظارت بر گسترش بی‌رویه کشاورزی از حقلابه‌های دریاچه‌ها
- ۲۲- عدم قبول مقررات FATF.

البته اینها فقط بخشی از سیاست‌های اعمال‌شده در کشور است. در

زمینه‌های صنعتی، اجتماعی، سیاست‌های داخلی و مشابه نیز فهرست

بلندبالایی دیده می‌شود که صدالبته کارشناسان مربوطه به‌خوبی از عهده فهرست‌کردن آن برمی‌آیند. اینک سؤال از رئیس‌جمهور محترم

که شمه‌ای از بیانات ارزشمند ایشان در مجلس شورای اسلامی در صدر

این مقاله آمده، این است که آیا جناب‌عالی فهرست «رویه‌های جاری»،

«وضعیت فعلی» را فراهم آورده‌اید؟ و اینک در کدام‌یک از آنان می‌توانید

می‌ی‌خواهید تغییر بدهید؟ آیا واقعا اراده‌ای برای این‌کار وجود دارد؟

اشتیاه نشود هنوز هم معتقدیم با انتخاب ایشان، سایهٔ ا تهدید احتمالی از

سر ملت ایران دور شده، هر چند هنوز سازمان‌یافته و فعال این تهدید بالقوه

به کار خود ادامه می‌دهد.



قطره قطره جمع گردد وانگهی درمان شود!



همین الان
منو اسکن کن

۰۲۱ - ۲۳۵۴۰



مؤسسه خیریه حیات از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org



گزارشی از تسویه‌نشدن بدهی ۱۱۰ هزار میلیاردتومانی دولت باگندم‌کاران که کشت پاییزه آنها را گرفتار کرده است

کشاورزان مقروض

وعده تسویه بدهی همچنان ادامه دارد

البته به‌تازگی وزارت کشاورزی وعده داده است که مطالبات گندم‌کاران را تا پایان شهریور امسال پرداخت کند اما این اولین باری نیست که سازمان برنامه و بودجه و وزارت کشاورزی چنین وعده‌هایی می‌دهند و کشاورزان را زیر فشار استقرار تسویه‌حساب با کشاورزان را به امروز و فردا می‌اندازد. براساس اعلام بنیاد ملی گندم‌کاران به «شرق»، رقم بدهی دولت به کشاورزان بیشتر از ۱۱۰ هزار میلیارد تومان است.

دولت پول گندم‌کاران را نمی‌دهد

از هفتم فروردین امسال که کشاورزان گندم بهاره را به دولت تحویل داده‌اند، تا شروع کشت گندم پاییزه، پول گندم‌های خریداری‌شده تسویه نشده است و کشاورزان برای شروع

کشت‌وکار با چالش‌ی اساسی مواجه شده‌اند. دولت تا امروز بیشتر از ۱۱میلیون و ۶۰۰ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری کرده است و خرید گندم همچنان ادامه دارد اما از پول آن خبری نیست.

علی‌نقی ایمانی، نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران، به «شرق» می‌گوید که دولت گندمی با ارزش بیشتر از ۲۰۴ هزار میلیارد تومان از کشاورزان خرید کرده اما تاکنون فقط ۹۴ هزار میلیارد تومان پرداخته است و درواقع پرداخت دولت کمتر از نصف ارزش گندمی است که از کشاورزان خریداری کرده است.

براساس گزارش مرکز آمار ایران میانگین درآمد سالانه خانوار شهری در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۶۷ میلیون تومان بوده و میانگین هزینه سالانه خانوار شهری حدود ۱۳۷ میلیون تومان برآورد شده است. این در حالی است که میانگین درآمد سالانه خانوار روستایی فقط حدود ۹۸ میلیون تومان بوده و در مقابل میانگین هزینه سالانه خانوار روستایی حدود ۷۹ میلیون تومان بوده است.

کشاورزان زیر فشار معیشت

با این‌حال، کشاورزان می‌گویند هزینه کشت‌وکار افزایش خیره‌کننده‌ای داشته است و کشاورزی در مواردی غیراقتصادی شده است.

علی‌نقی ایمانی، نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران، به «شرق» توضیح می‌دهد که کشاورزان برای تهیه کود برای کشت پاییزه دچار گرفتاری‌های عدیده هستند و کود اوهر در بازار کمیاب شده است.

براساس گفته‌های او، شرکت‌های پتروشیمی در دو تا سه ماه گذشته با هدف افزایش قیمت



گزارشی از تسویه‌نشدن بدهی ۱۱۰ هزار میلیاردتومانی دولت باگندم‌کاران که کشت پاییزه آنها را گرفتار کرده است



کود اوهره، از تحویل کود به شرکت خدمات حمایتی کشاورزی سر باز زده‌اند و درحال‌حاضر قیمت کود اوهره افزایش ۱۳۲درصدی را تجربه می‌کند. این در حالی است که قیمت خرید تضمینی گندم امسال فقط ۱۶ درصد افزایش داشته است.

ایمانی تأکید می‌کند که وضعیت دیگر نهاده‌های کشاورزی هم به همین ترتیب است و درآمد کشاورزان به‌هیچ‌عنوان با هزینه‌های آنها همخوانی ندارد و بنیه اقتصادی کشاورزان سال به سال ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و در این شرایط دولت هم

از تحویل به‌موقع طلب کشاورزان خودداری می‌کند.

نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران در واکنش به وعده جدید دولت برای پرداخت بدهی خود به گندم‌کاران می‌گوید که این وعده‌ها سر دراز دارد و زمانی که دولت در پنج ماه گذشته فقط توانسته است ۹۴ هزار میلیارد تومان پول گندم را بپردازد، چگونه می‌تواند در یک ماه ۱۱۰ هزار میلیارد تومان مابقی را تأمین و پرداخت کند؟

به گفته ایمانی این سیاست‌گذاری‌ها و نوع رفتار با کشاورزان سبب شده است که جایگاه کشاورزی در کشور تضعیف شود و در بسیاری از موارد از حیز انتفاع خارج شود. به گونه‌ای که نسل جدید حاضر نیست وارد این شغل شود و بیشتر کشاورزان ایرانی سالمند هستند.

تضعیف اقتصاد کشاورزی در حالی است که کشاورزان ایران به دلیل بحران آب و محیط زیست زیر فشار مضاعف تغییرات اقلیمی هم قرار دارند.

براساس گزارش بانک مرکزی از رشد اقتصادی ۹ماهه سال ۱۴۰۲ در بخش‌های مختلف، رشد ارزش‌افزوده گروه «کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری» در مقایسه با دوره مشابه سال ۱۴۰۱ هفت‌دهم درصد بود که سهمی یک‌دهم درصدی در کل رشد اقتصادی کشور در ۹ماهه سال ۱۴۰۲ داشته است. براساس این آمار، عملکرد بخش کشاورزی و سهم این بخش در رشد اقتصادی چه در ۹ماهه سال ۱۴۰۲ و چه در ۹ماهه سال ۱۴۰۱ از بخش‌هایی مانند صنعت، ساختمان، تأمین آب، برق و گاز، حمل‌ونقل و… کمتر بوده است. طبق گزارش‌های مرکز آمار در پاییز سال ۱۴۰۲ هم رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی رشد منفی یک درصد داشته؛ حال آنکه بقیه گروه‌ها رشد مثبت تا ۲۲ درصد داشته‌اند.

براساس اعلام وزارت کشاورزی، میانگین سنی کشاورزان کشور ۵۹٫۸ سال است و ۸۰ درصد جمعیت کشاورزی کشور، کشاورزان خرد هستند.

یادداشت

هم ما ذی نفعان بیداریم

هم کلاه شورای شهر پشم دارد!

بپردازند. شهرداری تا همین‌جای کار هم به اندازه کافی تهران را به یک شهر بی‌نشاط و بی‌طراوت تبدیل کرده است، دیگر بس است!

جای بسی تعجب دارد، به جای اینکه شهرداری سازنده‌های بلندمرتبه را مجبور به ساخت استخر و امکانات ورزشی در آپارتمان‌های بلندمرتبه کند یا ساخت مجموعه‌هایی ورزشی از این قبیل، در کمال نایابوری راه را به سمتی سوق داده که مصوبه تلخ برج‌باغ‌ها را یادآوری می‌کند. پول بیشتر بده درخت‌ها را خشک کن و بساز! به جای اینکه بگویند بساز به شرط آنکه بسا جابه‌جایی، درخت‌های موجود را حفظ کنی و سهمی در گسترش فضای سبز شهری داشته باشی.

این ممنوعیت عجیب بوی آن می‌دهد که سازنده یک برج برای ساخت استخر که حق طبیعی ساکنان آن برج است، راه‌های قانونی را دور بزند.

چرا باید بدون مصوبه شورای شهر و با عجله و بدون شنیدن صدای ذی‌نفعان به‌سرعت دستورالعملی صادر کرد که هیچ تناسبی با هدف خود ندارد.

اگر کسی در شهرداری گمان کرده که کلاه شورای شهر پشم ندارد و ذی‌نفعان نیز خاموش و گوش به فرمان خواهند بود، در اشتباه است. در درجه اول از شهردار تهران می‌خواهم که خود به این موضوع ورود پیدا کرده و جلوی این مصوبه فاقد قابلیت اجرایی را بگیرد و همچنین اعضای شورای شهر براساس وظیفه و تکلیفی که دارند، سریعاً جلوی این مصوبه غیرقانونی که بدون نظر اعضا صادر شده است، بایستند تا جلوی چنین رویه‌های غیرقانونی گرفته شود.

یادداشت

برای ایران تا حقیقت ایران

دیگر آنکه برخی از پرسشگری‌ها، ناپذیری‌ها صفحه اول و ناترازی‌های فرهنگی و اجتماعی ما، رنجانده‌تر و

خطرناک‌تر از آن هستند که بتوان اقدام به اصلاح اصولی‌شان را به فردای ایجاد رونق اقتصادی وا نهاد. به بیان دیگر، رفع کمالی و پایدار بسیاری از مصائب و مسائل امروزی ما، محصور و محدود به راهکارها و جوشش‌گری‌های اقتصادی نیست و نیازمند نشستن بر خوان حکمت، هنر و زبان و ادب ایرانی است. به نظر می‌رسد که این نکته بر دولتی‌ها هم چندان پوشیده نیست؛ زیرا دکتر پرتشکیان، هم در ایام انتخابات، هم پس از آن، بر جنبه‌هایی از نیازهای فرهنگی و تعالی‌خواهی‌های تمدنی و اندیشه‌ورزانه مردم تأکید کرده‌اند اما اینها شاید در مقام سخن تا حدی قابل قبول باشد، اما بهتر است بدانیم و بگویم که در مقام عمل قرار است

چقدر به آنها توجه و بر آنها همت گماشته شود. غفلت هر دولتی (به فرض که غفلت شود)، از این موضوعات مورد بحث و فقدان برنامه‌های مدون عقلی و علمی درباره آنها، راه را برای نفوذ و گسترش بیش‌ازپیش نازیبای‌ها و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی هموارتر می‌کند. بی‌بهرگی از صاحب‌نظران رنج تحصیل برده عرصه فرهنگ و نجبان دود چراغ خورده علوم انسانی، وضعیت آسیب‌زا و آسیب‌پذیری خواهد بود؛ گرچه مواجهه انگیزه‌بخش‌تر و تعامل نتیجه‌دار با آنها نیز ممکن است چندان آسان نباشد.

اگر دولت قصد دارد برنامه‌ریزی‌ها و چاره‌جویی‌های فرهنگی را به کارگروه‌ها و اندیشکده‌های مردمی و دانشگاهی و دین‌پژوهانه واگذارد –که همین هم تدبیر فراوانی می‌طلبد و عمل ستوده‌های است– و خود با تقادی و به‌گزینی، برانند و برون‌داد آنان را به فعلیت برسانند، باز هم بایسته است که در جمع دولتی‌ها، یعنی در حلقه اولیه دولت‌یاد در کنار آن، اندیشمندیانی از علوم انسانی و جامعه هنری، با درک و شناختی ژرف و درست از فرز و فرود مسائل و مباحث فرهنگی وجود داشته باشند تا غث و سمین راهکارها و پیشنهادهای مربوط به این‌حوزه‌ها را از ما بازشناسند و با ایجاد پیوندی تنومند میان راهکارهای نجبان و قدرت اجرایی دولت، ایران را در پیمودن راه استعلای مدنی، فرهنگی و هنری یاری رسانند. بر کسی پوشیده نیست که ایران، افزون بر معنا و حدود سیاسی و جغرافیایی خود، یک اندیشه است؛ یک فرهنگ است؛ یک زبان گویاست و به طور کلی، یک نظام چکمی زیباشناختی پایدار است؛ پایدار تا زمانی که خود ایرانیان، ناخواسته بر آن زخم نزنند. هر دستگاه و نهادی که به این حقیقت بی‌توجه باشد، از ماهیت ایران روی گردانیده و آن را تا حد یک مرز سیاسی یا موقعیت جغرافیایی (مثل بسیاری از کشورها) فروگاسته است. امروزه، ابعادی از هویت فرهنگی ما مورد تهدیدهایی واقع شده، بعضی از آسیب‌های روان‌شناختی و اجتماعی، رو به گسترش نهاده و افزون بر اینها، ضد فرهنگ‌های غیرانسانی و انسانیت‌گداز، با خوش‌خط‌وخال‌ترین چهره‌ها و جلوه‌ها، همچنین با تئوریزه‌کردن مضرات خود و سوءاستفاده از روش‌های علمی و هنری یا شبه‌هنری، در سودای بهره‌گیری از مردم ایران و جهان‌اند. با این وضع، نه‌فقط بی‌توجهی، که حتی کم‌کوشی مردم و دولت درباره حفظ و ارتقای فرهنگ و هنر نیز، ضریباتی بر پیکر ایران فرهنگی وارد خواهد کرد. امروز، بازخوانی و بازشناسی حقیقت فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی و در پی آن، بازتاباندن مبانی و نیز مزیای آن به ساحات فردی و اجتماعی‌مان و سپردن گوش جان به صدای صاحب‌نظران و پژوهندگان حقیقی این عرصه، ضروری‌تر از هر عصر و زمانی دیگر است؛ امید که بتوانیم با بازفتح قلعه‌های وجودی خویش، از دام بستنی‌ها و فروشنشت‌های فرهنگی جهان امروز برهیم و بدانیم که والایش انسانی و پالایش گفتمانی مردم ایران، منوط به یافتن حقیقت راستین خویش و راه خویش، نیز نمایانند فرهنگ غنی خود به دنیا در میدان برخوردها و مبادلات فرهنگی است؛ ممکن است که خودیابی و خودباوری فرهنگی، به ترک برخی خوگردگی‌های نادلفریب و ناساز وادارمان کند که البته رنجی خواهد بود برای بازیابی کنجی بی‌مانند. دولت محترم هم باید بداند که مثل هر دولتی دیگر، چند گاهی که برکار است، بهتر است همه ابعاد وجودی مردم ایران را هر یک به جای خود ببیند؛ همچنین سزاوار اعتماد مردم و امکانات و فرصت‌های در اختیار خود، درباره هر یک از آنها، پرکار و اثرگذار واقع شود.